اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و سی و نهم)

طهارت (بخش دوم)

در قسمت اول طهارت بیان شد که طهارت یک نوع آماده شدن برای قیام است و در انجام طهارت هر چهار لایه عقل، احساسات، ناری و جسم خاکی باید طاهر و پاک شوند. نماز یک نوع قیام است؛ به همین خاطر خدای حکیم در مورد نماز همیشه فعل اقیموا را بکار می برد. مسیحیان نمازشان را ضایع کردند، زیرا برای انجام آن قیام نمی کنند. یکی دیگر از جنبه های ضایع کردن نماز، به آن معناست که بدون طهارت، نماز بجا آورده شود. هر جا طهارت ناقص باشد، بعد از مدتی نماز به یک کار بیهوده و بیفایده تبدیل میشود و در نهایت کنار گذاشته میشود. آلودگی های عقلی و احساسی و ناری، باعث ضایع شدن نماز میشوند و نتیجه قطعی این موضوع، تابع شهوات شدن است.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿٥٩﴾

آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید (۵۹)

به همین خاطر، خدای حکیم با روشهای مختلف میخواهد که مردم را از رجس و رجز و سایر آلودگی های روانی و باطنی پاک کند. همانطور که در آخر آیه وضو می فرماید:

وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

لیکن می خواهد شما را پاك و نعمتش را بر شما تمام گرداند باشد که سپاس [او] بدارید

باید انواع آلودگیهای جسمی و روانی را از خود دور کنیم، تا بتوانیم به مرحله اقامه نماز برسیم و آن را برگزار کنیم. اصلا هدف دین همین است که انسانها را پاک کند و از رجز و آلودگیها پاکشان کند. نماز ابزار ضروری دین است.

غسل و مسح که در آیه وضو بیان شده است، فقط مربوط به لایه جسم خاکی ما نیست؛ بلکه غسل و مسح باید در لایه عقل، لایه احساس و لایه ناری هم باشد. اگر طهارت به هر دلیلی در یکی از چهار لایه باطل شود، باید دوباره وضو تجدید شود.

معمولا بیشتر مردم، باطل شدن طهارت برای نماز را فقط به کثیف بودن لایه جسمی محدود میکنند. درحالی که اگر عقل و احساس انسان هم آلوده شود، باید مراحل و فرآیند وضو از اول انجام شود. هر کدام از این لایه ها، باطل کننده هایی دارند که در

صورت وقوع، باید وضو از نو تجدید شود. این نکته بسیار مهمی است که بیشتر مسلمانان به آن توجهی ندارند.

لایه های مادی	باطل کننده طهارت این لایه
لایه عقل و منطق	طمع – حسادت - بخل - کبر – عُجب – ریا – قمار و ...
لایه شعور و احساسات	خشم – غضب – کینه – استرس – احساسات مصنوعی ناشی از آهنگهای آلفايي و فیلمهای توهمی و هیجانات کاذب و سایر لذتهای کاذب
لایه ناری	خیال پردازی – شعر خوانی - وحدت وجود – مدیتیشن – یوگا – کارما – ذهن مثبت – عشق – فنگ شوئی – ذن و ...
لایه جسم خاکی	قضای حاجت – ملامسه با زنان – جنب شدن و ...

بخل یک نوع آلودگی عقلی است، که اگر پاک نشود، نمیتوان زکات داد و از مال دنیا دل کند. یعنی بدون طهارت باطنی نمیتوان زکات را پرداخت کرد. در بیشتر آیه های قرآن، هر وقت خدای مهربان از اقامه نماز صحبت می فرماید، بلافاصله از دادن زکات صحبت می فرماید و این ثابت میکند که بدون طهارت باطنی نمی توان نماز بجا آورد و زکات داد. از مقدار زکات پرداختی و مقدار برگزاری نماز افراد یک جامعه میتوان به مقدار آلودگیهای روانی آن جامعه پی برد.

اکنون خیلی از مردم در گوش دادن آهنگهای آلفایی غرق میشوند. با این حال برای نماز بعدی، تجدید وضو نمی کنند. دلیلش هم این است که آنان فقط طهارت لایه جسمانی را در نظر می گیرند و به طهارت لایه احساس و عقل و فکر خویش توجه نمی کنند. در حالی که باید طهارت لایه های عقل و احساس هم در نظر گرفته شود و در صورت آلودگی این لایه های غیر خاکی، باید وضو از نو تجدید شود. در صورت قیام برای نماز بدون طهارت لایه عقل و احساس ، نماز در سکاری است و اصلا برگزاری نماز برای خدای عالمیان در این حالت امکان پذیر نیست. خدای حکیم بطور جدی دستور داده است که در حالت سکاری نماز بجا نیاورید؛ زیرا نماز در حالتی که لایه های عقل و احساس طهارت ندارند، یک توهم است و این نوع نماز برای شیطان است. بعضی از مسلمانان نا آگاهانه ، یوگا را با نماز مقایسه میکنند؛ در حالی که یوگا دقیقا یعنی آلودگی لایه ناری. زیرا در یوگا ، آدمیان به یک آتش بیگانه وصل میشوند و در نتیجه طهارت خود را از دست میدهند. یوگا و مدیتیشن یکی از آلودگیهای خطرناک و باطل کننده های مهم و عمده طهارت باطنی هستند.

خدای رحمان بر به جا آوردن نماز بسیار تاکید دارد ولی در یکی از آیات شدیدا انجام نماز را منع فرموده است و حتی دستور فرموده است که اصلا نزدیکش هم نشوید و آن حالت هم انجام نماز در حالت سکاری (لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری) **است. زیرا آلودگی آن مسری است و انسان را بیمار میکند.**

طهارت قبل از نماز خیلی مهم است، زیرا در صورت عدم طهارت لایه های بالایی ، اقامه نماز غیر ممکن است. همانطور که در آیه وضو بیان شد، هدف از طهارت، اقامه

نماز است. قیام هم مثل طهارت باید در هر چهار لایه باشد. یعنی از نظر عقلی هم قیام کرد و مشغول کننده های عقلی را کنار بگذارید و همچنین خود را از هیجانات احساسی دور کنید. واقعیت این است که انسان نمی خواهد بداند که خیالپردازی، عشق، مدیتشین و خیلی از آهنگهای موجود همگی یک نوع آلودگی هستند. اما از آنجا که این آلودگیها از نوع جسمی نیستند، کسی به طهارت آنها توجهی ندارد. نماز بدون طهارت، نماز نیست و هیچ تاثیری در روان ما ندارد. خدا می فرماید که نماز آدمی را از فحشا و منکر باز میدارد. نمازی که این کار را نکند، شک نکنید که بدون طهارت اقامه شده است.

قیام در لایه جسمی، یعنی پا شدن و ایستادن. اما در لایه های عقل و احساس، یعنی عقل و تفکر مان را نسبت به برپایی نماز، بیدار کنیم و فکرمان را به سمت برپایی نماز ببریم و دیگر افکار و دیگر احساسات را از خود دور کنیم. باید احساس خود را از چیزهای دیگر به سمت نماز بکشانیم. لایه ناری ما نباید درگیر مغناطیسهایی همچون عشق، وحدت وجود و سایر آلودگیها باشد، بلکه باید از این موارد دست بکشیم. رکوع و سجود هم مثل قیام باید در هر چهار لایه باشد. رکوع و سجود معناهای مهمی هستند که باید در لایه های عقل و احساس هم رخ دهند. خدای مهربان در مورد سجده می فرماید که: إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا **یعنی گریه واقعی همیشه بعد از سجده بوجود خواهد آمد. البته سجده ای که آیه مدنظرش است، سجده ای است که در هر چهار لایه اتفاق افتد. ما باید ابتدا فکرمان را و عقلمان و احساساتمان را وادار به رکوع و سجود کنیم و بعد انسان خود به خود در مقابل خدای رحمان به**

خاک خواهد افتاد. گریه های بدون سجود و رکوع بی معنایند و فقط تحریک غده های اشکند. مردم انواع کلیپها را نگاه میکنند و یا انواع کنسرتها و استندآپ کمدی ها می روند تا ذره ای گریه کنند و یا بخندند. در حالی که اینها هیچکدام گریه و خنده واقعی نیستند. گریه و خنده را خدا خودش میدهد و بدست آوردنی نیستند.

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ﴿۴۳﴾ و هم اوست که می خنداند و می گریاند (۴۳)

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ﴿۴۴﴾ و هم اوست که می میراند و زنده می گرداند (۴۴)

قیام و رکوع و سجود یک امر معنایی هستند که باید ابتدا در حالت معنا شروع شوند و بعد از معنا به امر جسمی تبدیل شوند. قیام و سجود و رکوع ظاهری که فقط با کالبد بدنی خود انجام میدهیم، یک نماز ریاکارانه است. در نماز سهل انگارانه و ریاکارانه، به قیام و رکوع و سجود در لایه های عقل و احساس توجه نمیشود و به این طریق نماز به یک امر مضر و خطرناک تبدیل میشود. به همین خاطر خدا می فرماید که در حالت سکاری نماز نخوانید. سکاری یعنی حالتی که فرد طهارت عقلی،احساسی را در نظر نمی گیرد. کسی که در این لایه ها طهارت نداشته باشد، قطعا نمی تواند قیام، رکوع و سجود واقعی انجام دهد. مردم سجده و رکوع واقعی انجام نمی دهند ، به همین خاطر به رضایت قلبی در مورد خدا نخواهند رسید و قطعا خوشحالی و گریه

واقعی هم برای آنان اتفاق نخواهد افتاد. شرط ورود به بهشت رضایت دو طرفه بین خدای رحمان و بنده است (رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً**).**

ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ خشنود و خداپسند به سوى پروردگارت بازگرد (٢٨)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ و در ميان بندگان من درآى (٢٩)

وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾ و در بهشت من داخل شو (٣٠)

از نظر قرآن، لایه های احساس و عقل و ناری خیلی مهم هستند و بدون در نظر گرفتن طهارت این لایه ها، نماز در سکاراست و حتی خدا امر می فرماید که نزدیکش نشوید (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا **لَا تَقْرَبُوا** الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى**). در یکجای دیگری از قرآن، خدا در مورد امر به آدم و حوا در بهشت از همین فعل استفاده فرموده است (**وَ**لَا تَقْرَبَا** هَذِهِ الشَّجَرَةَ**).**

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا **وَلَا تَقْرَبَا** هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٥﴾

و گفتيم اى آدم خود و همسرت در اين باغ سكونت گير[يد] و از هر كجاى آن خواهيد فراوان بخوريد و[لى] به اين درخت نزديك نشويد كه از ستمكاران خواهيد بود (٣٥)

وقتی این دو مورد را مقایسه می کنیم، خیلی راحت میتوان فهمید که نزدیک شدن به نماز در حالت سکاری، باعث هبوط آدمی میشود؛ همانطور که نزدیک شدن به درخت ممنوعه باعث هبوط آدم و حوا شد. به همین خاطر، خدای مهربان در قرآن خیلی به لایه معنایی نماز اهمیت داده است و همه اش در این مورد صحبت می فرماید. زیرا اصلا بدون طهارت عقل و احساس، نماز بیفایده است و خیلی مضر است. انسان با اجرا کردن نماز در حالت سکاری و سستی، دارد در مورد زندگی بعدیش، قمار میکند و قطعا نماز در حالت سکاری به باخت منتهی میشود.

وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿۵۴﴾

و هیچ چیز مانع پذیرفته شدن انفاقهای آنان نشد جز اینکه به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند و جز با [حال] کسالت نماز به جا نمی آورند و جز با کراهت انفاق نمی کنند (۵۴)

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۱۴۲﴾

منافقان با خدا نیرنگ می کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند (۱۴۲)

مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿۱۴۳﴾

میان آن [دو گروه] دو دلند نه با اینانند و نه با آنان و هر که را خدا گمراه کند هرگز راهی برای [نجات] او نخواهی یافت (۱۴۳)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿۵﴾ که از نمازشان غافلند و سهل انگارند (۵)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿۶﴾ آنان كه ريا مى كنند (۶)

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿۷﴾ و از معنویت واقعی ممانعت میکنند (۷)

براساس آیات فوق، میتوان نتیجه گرفت که سهل انگاری و ریاکاری در نماز، منجر به نابودی معنویت میشود.

همچنین ترتیب اعضایی که در وضو طهارت می یابند، خیلی مهم است و این ترتیب در وضو نکات مهمی را در بردارد. ترتیب باید همانطوری باشد که آیه می فرماید:

- **غسل وجوه (دست کشیدن از توجهات)**
- **غسل دستها (دست کشیدن از تعلقات)**
- **مسح سر (چسبیدن به توانایی های اولیه ذهنی)**
- **مسح پا (چسبیدن به توانایی های پایه ای بدنی)**

یعنی ما باید وجوه و ایدی خود را بشوییم و دست از توجهات و تعلقات غیر از خدا بشوییم و آن را بگذاریم کنار. بعد سر و پای خود را لمس کنیم تا بتوانیم به توانایی های اولیه ذهنی (سر) و بعد توانایی پایه ای (پا) خود برگردیم. شستن و مسح کردن دو معنای تقریبا متضاد دارند. اما یوگا برخلاف نماز میگوید که تواناییهای اولیه ذهنی

خود را متوقف کن. نماز میگوید رکوع و سجود کنید ولی یوگا میگوید که از زمین بلند شوید و پرواز کنید!

شستن = دست شستن از چیزی = رها کردن = کنار گذاشتن

مسح = لمس دوباره = برگشتن به آن = برگشت به توانایی های اولیه ذهنی و توانایی های پایه ای بدنی

وقتی به وقتش آلودگی های عقلی و احساسی را از خود دور نکنیم، در مواقع بحرانی و پیری سرمان آوار میشوند و افراد معرکه گیر میشوند. بعضی آلودگیها در ضمیر ناخودآگاه مخفی و پنهان میشوند و مثل دیو خفته هستند که در دوران پیری و مشکلات بیدار میشوند. به همین خاطر بعضی ها در پیری، معرکه گیر میشوند؛ زیرا آنها در دوران جوانی نمازشان در سکاری بوده است.

شاید توجه کرده باشید که اگر به بعضی افراد، یک کاری را بسپارید، میگوید که وقت انجامش را ندارم. در حالی که او وقت زیادی دارد ولی توانایی انجام کار در لایه جسمانی را ندارد. دلیل آن خیلی ساده است. او مشغول است و البته نه در لایه جسمانی، بلکه در لایه های بالایی مشغول است. این فرد شدیدا نیاز به طهارت و بلافاصله بَعدش نیاز به قیام دارد.

طهارت جسمی و باطنی پیش نیاز قیام هستند. قوم لوط از طهارت نفرت داشتند، زیرا آنها را به حالت عادی بر می گرداند. اما پیامبر لوط و سایر مومنان دنبال طهارت بودند. زیرا آنها میخواستند که یک چیزی را اقامه کنند. برای اقامه باید ابتدا خود را طاهر و پاک کرد. طهارتی که قوم لوط از آن نفرت داشتند، قطعا طهارت ظاهری نبوده است، بلکه طهارتی در سطح عقل و احساس بوده است. وقتی آدمی باطنش کثیف باشد، انواع روشهای کثیف جنسی را هم بوجود خواهد آورد و این روشهای کثیف برای او عادی میشود.

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾

ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند آنان را از شهرتان بیرون کنید زیرا آنان کسانی اند که به پاکی تظاهر می کنند (۸۲)

جهت انجام طهارت، ابتدا باید یک سری مقدمات را انجام داد. فرض کنید که شما غذایی میخورید که ناسالم است، تا چند روزی مسموم و کسل میشوید و اشتهای خوردن را از دست میدهید و برای بیشتر ما از این نوع اتفاقها افتاده است. زیرا تا غذای فاسد از سیستم گوارشی ما بیرون نرود، نمی توان اشتهای خوردن غذای دیگری را کرد. روان ما هم اینطوری است. اگر ما ورودی فاسدی را از طریق چشمان، گوش و سایر اعضاء دریافت و حس کنیم؛ یعنی آن ورودی فاسد را خورده ایم و بنابراین روان ما بیمار میشود و تا موقعی که ورودی فاسد از روان ما بیرون نرود، نمی

توان پندار خود را به سمت نیک متمایل کرد. زیرا همان موقع که ورودی فاسد وارد روان میشود، دیگر نمیتوان واقعیتها را فهمید. یکی از معانی توبه همین است که ورودی فاسد از روان بیرون رانده شود. طهارت عقلی و طهارت احساسی پیش نیاز از بین بردن مسمومیت پنداری و روانی است. بنابراین برای بکار انداختن چرخه نیک (پندار نیک – کردار نیک – گفتار نیک – گفتار صبر)، طهارت اولین کاری است که افراد باید انجام دهند؛ آن هم طهارت در همه سطوح عقل و احساس و ناری و جسمی.

ورودی فاسد مثل یک دیو بر آدمیان چنبره میزند و دست بردار هم نیست. برای بیرون راندن این ورودی فاسد که مثل یک دیو است، باید روزه گرفت. در اینجاست که نماز و روزه به کمک همدیگر می آیند. روزه گرفتن، به تمام معنا دیوها را از محیط روان انسان بیرون میراند. در این مورد جمله ای از مسیح در یکی از انجیلها آمده است که مسیح میگوید:

دیو جز به دعا و روزه از جسم انسان بیرون نمی‌رود

مسیح که خودش معجزه اش در همین موارد بود و دیو را از بدن جن زدگان بیرون میراند، چنین نکته ای را برای پیروانش بیان میدارد و این چنین راه حلی را برای آنها بیان میدارد. روزه یک نوع طهارت درونی هم هست. برای بیرون کردن غذای فاسد از بدن، باید تا مدتی چیزی نخورید. برای روان ما هم همینطوری است. ورودی

فاسدی که وارد روان ما میشود، با امساک (روزه) بیرون میرود و بنابراین حتی روزه هم نوعی فرآیند طهارت است. در صورت طهارت میتوان معنویت جدید را وارد روان خویش کرد و معناها را صحیح فهمید. همانطور که در روزه، ما غذا نمی خوریم، باید از خوردن خیالات، مفاهیم عشق، مدیتیشن و سایر آلودگی های روانی هم پرهیز کنیم. بدون این نوع پرهیز نمی توان غذای جدید وارد بدن و روان خویش کرد. که اگر هم به زور خورانده شود، باعث بزرگتر شدن بیماری و مشکل خواهد شد.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین